خراسان روزنامه صبح ایران
دوشنبه ۳ مهر ۱۳۹۶. ۴ محرم ۱۴۳۹. شماره ۱۹۶۴۳

حوزه، نیازمند مرکز آینده پژوهی است

حجت‌الاسلام زائری گفت: حوزه برای تمدن سازی باید مطالعات دقیق اجتماعی و مرکزی برای آینده پژوهی داشته باشد. به گزارش خبرگزاری مهر، این استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به این که در تمدن سازی، موضوع نزدیکی به واقعیت بسیار اهمیت دارد، افزود: ساختار، نظام و ترکیب فعلی حوزه، طلبه را به این هدف نمی رساند. یک طلبه تراز انقلاب باید اجازه داشته باشد در فضای مجازی با مردم ارتباط بگیرد.

مشاوره حقوقی

• • •

خوانندگان محترم! در صفحه ۱۰ روزنامه خراسان، پاسخ گوی پرسش های حقوقی شما هستیم. شما می توانید پرسش های خود را در تمام زمینه های حقوقی، از طریق پیامک به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ ارسال کنید. لطفاً در ابتدای متن پیامک حتما کلمه «حقوقی» را قید فرمایید.

پرسش: دوستم بابت ۴۰ میلیون تومان بدهی‌اش، چکی به من داد که آن را در بازار خرج کردم. این چک برگشت خورد و پس از انجام کارهای قانونی، حکم جلب صادر کننده، صادر شد. آیا فردی که هم اکنون چک را در اختیار دارد، می تواند برای بازداشت صادر کننده به من وکالت بدهد تا به شهرستان بروم و او را بیاورم؟

پاسخ: فقط وکلای دادگستری که پروانه وکالت خود را از کانون وکلای دادگستری یا مرکز امور مشاوران دریافت کرده اند، می‌توانند امور دیگران را در دادگاه‌ها و مراجع قضایی، به عنوان وکیل، پیگیری کنند. پذیرش وکالت‌نامه رسمی (که در دفتر اسناد رسمی تنظیم شده است) در دیگر مراجع (یعنی مراجع غیر قضایی) منع قانونی ندارد. در صورتی که از دوست خود برای پیگیری امور وی وکالت رسمی دارید، به مرجع مربوط مراجعه کنید. در صورت نپذیرفتن وکالت رسمی، به یکی از وکلای رسمی دادگستری مراجعه کنید و با اختیار حاصل از وکالت رسمی که در اختیار دارید به وکیل دادگستری برای ادامه پیگیری موضوع وکالت دهید. در این صورت، ضروری است اختیار «توکیل به غیر» در وکالت‌نامه رسمی شما قید شده باشد. ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی بیان می کند: «وکلای متداعیین باید دارای شرایطی باشند که به موجب قوانین راجع به وکالت در دادگاه‌ها برای آنان مقرر گردیده است.» کسی که وکیل دادگستری نباشد و خود را وکیل دادگستری معرفی کند یا به هر شکل دیگر، وانمود کند که وکیل است، مرتکب جرم «تظاهر به وکالت» شده است. تظاهر به وکالت، مجازات یک تا شش ماه حبس در پی خواهد داشت. ماده ۵۵ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ بیان می کند: «وکلای معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و به طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد، از هر گونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است، اعم از این که عناوین تدلیس از قبیل مشاور حقوقی و غیره اختیار کند یا این که به وسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در مؤسسات، خود را اصیل در دعوی قلمداد نماید. متخلف از یک الی شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.»

پرسش: مادرم زمینی دارد که سال ها قبل آن را خریده است. زمین دارای پلاک ثبتی است. پس از مراجعه به محل قرار گرفتن آن، متوجه شدیم که روی آن زراعت انجام می دهند و می گویند حالت مشاع دارد. می خواهیم زمین را تفکیک و دور آن دیوار بکشیم. چگونه باید این کار را انجام بدهیم؟

پاسخ: اگر ملک مشاع قابل افراز باشد (یعنی قابل تقسیم به قسمت‌هایی باشد که از نظر قیمت و مرغوبیت برابرند)، میان شرکا تقسیم می‌شود. اما در صورتی که ملک غیر قابل افراز تشخیص داده شود، دادگاه دستور فروش آن را صادر می کند و ماحصل فروش بین شرکا تقسیم خواهد شد. مرجع تشخیص قابل افراز بودن ملک، مطابق قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷، واحد ثبتی محل وقوع ملک است. متقاضی باید درخواست افراز ملک را به واحد ثبتی مربوط تحویل دهد. مسئول واحد ثبتی، در صورتی که جریان ثبتی ملک خاتمه پیدا کرده باشد و مالک معارض (یعنی مدعی مالکیتی غیر از شرکا) نداشته باشد، آن را به نقشه بردار ارجاع می‌دهد. نقشه بردار با دعوت نماینده ثبت و شرکا، نقشه ملک را ترسیم می کند و در نهایت، نظر خود را درباره قابل افراز بودن ملک و نحوه افراز اعلام می کند. در صورتی که ملک غیر قابل افراز تشخیص داده شود، نظریه غیر قابل افراز بودن به صورت کتبی به شما و شرکا اعلام می‌شود. به استناد این نظریه، می‌توانید درخواست فروش ملک را به دادگاه حقوقی محل وقوع ملک تقدیم کنید. دادگاه بعد از ملاحظه نظریه اداره ثبت، دستور فروش ملک را از طریق مزایده، صادر می کند. بعد از صدور دستور فروش، ملک را واحد اجرا به مزایده می گذارد. بر اساس ماده یک قانون افراز و فروش املاک مشاع، «افراز املاک مشاع که جریان ثبتی آن ها خاتمه یافته، اعم از این که در دفتر املاک ثبت شده یا نشده باشد، در صورتی که مورد تقاضای یک یا چند شریک باشد، با واحد ثبتی محلی خواهد بود که ملک مذکور در حوزه آن واقع است. واحد ثبتی با رعایت کلیه قوانین و مقررات، ملک مورد تقاضا را افراز می کند. تبصره: نسبت به ملک مشاع که برای آن سند مالکیت معارض صادر گردیده، تا زمانی که رفع تعارض نشده، اقدام به افراز نخواهد شد.»

یاران سیدالشهدا(ع) در کربلا چه کسانی بودند؟

عاشورائیان ۳

عابس شاکری؛ زهد در محراب، شجاعت در مصاف

جواد نوائیان رودسری

info@khorasannews.com

بی تردید بررسی زندگی و مجاهدت یاران سیدالشهدا(ع) در واقعه کربلا، افزون بر آشنایی با زوایایی کمتر دیده شده از این قیام جاودانه، نقشی مهم و مؤثر در نشان دادن الگوهای شایسته به دوستداران اهل‌بیت(ع) دارد. اصحاب وفادار امام حسین(ع) را که در آن دشت بلاخیز و پرمحنت، حاضر به تنها گذاشتن رهبر و مقتدایشان نشدند و جان بر سر عشق و اعتقاد نهادند، به واقع می توان اسوه‌های صبر و پایداری دانست؛ رادمردانی که به سلاح شور و شعور مجهز بودند و ایمان راسخشان به راه اباعبدا...(ع)، برایشان سرنوشتی پرشکوه را رقم زد. به مناسبت فرارسیدن ماه محرم و ایام سوگواری سالار شهیدان، حضرت امام حسین(ع)، در این نوشتار و نوشتارهای بعدی، تلاش می کنیم به معرفی یاران آن حضرت بپردازیم.

> **«السّلام عَلَیکَ یا اَباعَبدا...؛ اَشهَدُ اَنّی عَلَی هَداکِ و هَدی اَبیکِ؛ سلام بر توای اباعبدا...! گواهی می‌دهم که بر راه شما و پدر شما استوارم و به راه راست هدایت می‌یابم.»**
>
> فرازی از سخنان عابس شاکری در روز عاشورا

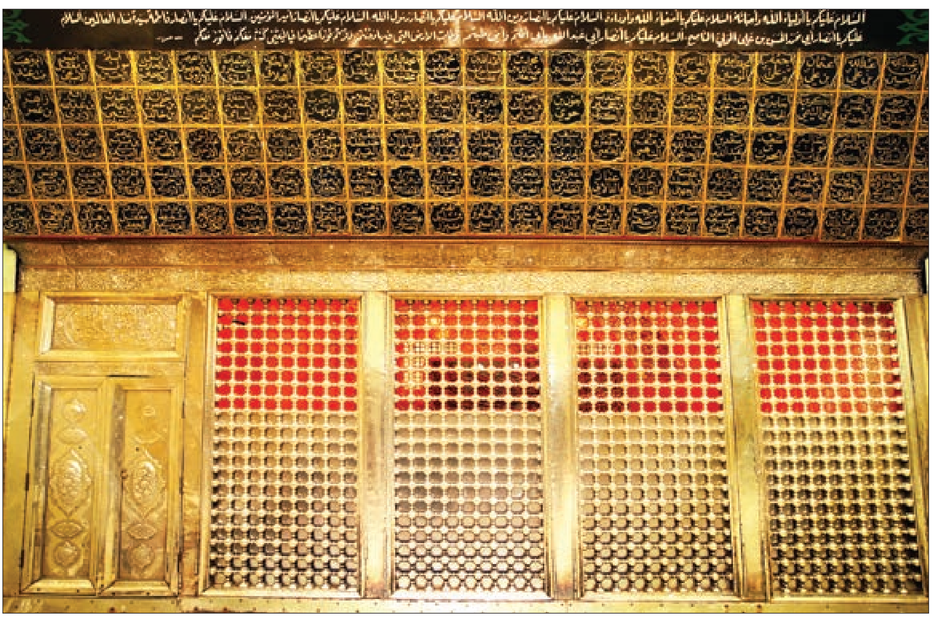

مدفن یاران امام حسین(ع) در کربلا

«عابس بن ابی شبیب شاکری»، از اهالی کوفه و شیعیان دلسوخته امیرمؤمنان(ع) بود؛ مردی زاهد و اهل تهجّد که در میان دوستان و اطرافیانش، به شجاعت و بی باکی، شهرت داشت. او از وابستگان طایفه بنی شاکر بود؛ طایفه‌ای از قبیله «بنی هَمْدان» که اصل و نسبش به یمن باز می گشت و به دوستی خاندان رسول خدا(ص) معروف بود. «محمد سماوی» در «ابصار العین»، بنی شاکر را از «شیعیان مخلص امیرالمؤمنین(ع)» می داند و «عابس»، در میان قبیله خود، بیش از همه این ویژگی را داشت. او در جنگ صفین، در رکاب امام علی(ع) جنگید. در همین نبرد بود که «عابس» از ناحیه پیشانی، زخمی شد و اثر زخم، تا پایان عمر بر پیشانی وی ماند. آنان که او را می شناختند، می دانستند که در راه علی(ع) و اولاد او، از جان دریغ ندارد. «عابس» پس از شهادت مولای متقیان(ع)، در کوفه ماند. او پس از ورود «مسلم بن عقیل» به این شهر، از نخستین افرادی بود که همراه با «شَوْذَب بن عبدا...»، دوست دیرینش (*)، با فرستاده سیدالشهدا(ع) بیعت کرد و در زمره یاران نزدیک او قرار گرفت. «مسلم» نیز، به دلیل اعتمادی که به این دو دوست داشت، یکی از نامه‌های خود را به آن ها سپرد تا به امام(ع) برسانند و این نامه‌رسانی، مقدمه‌ای برای همراهی با فرزند رسول خدا(ص) شد.

■ عاشقانه‌ترین نماز عُمر

روز عاشورا فرا رسید. «عابس» و «شَوْذَب» در میان پیادگان سپاه امام حسین(ع)، به پاسداری و دفاع مشغول بودند؛ آن دو نماز ظهر را به سیدالشهدا(ع) اقتدا کردند؛ آن نماز، عارفانه‌ترین و عاشقانه‌ترین عبادت دو دوست دیرین، به درگاه پروردگار بود. اما کوفیان حرمت نماز را هم نگه نداشتند و به سوی نمازگزاران لشکر امام(ع) تاختند. تعدادی از اصحاب که مسئولیت دفاع از جان آن حضرت و نمازگزاران را برعهده داشتند، در آن لحظات سخت و دشوار، شربت شهادت نوشیدند. در آن لحظات سخت و دشوار، «سعید بن عبدا... حنفی»، پاسداری از سیدالشهدا(ع) را برعهده داشت؛ تیرها از هر طرف به سمت امام(ع) پرتاب می شد و «سعید» دیگر نمی‌توانست فقط با سپرش مانع اصابت آن ها به فرزند رسول خدا(ص) شود؛ این بود که بدنش را در مقابل تیرها قرار داد. در جلد هفتم کتاب شریف «اعیان الشیعه» آمده است که در آن هنگام، افزون بر زخم و جراحت ناشی از شمشیر دشمن، ۱۲ تیر بر بدن «سعید بن عبدا...» نشسته بود اما او تا انتهای نماز امام(ع)، تحمل کرد و آن گاه، مقابل مولایش بر زمین افتاد. سیدالشهدا (ع)، «سعید» را در آغوش گرفت و با دست مبارکش، خون را از چهره او پاک کرد. «سعید» آخرین بار چشم گشود و به مولایش نگریست و با جملاتی بریده گفت: «ای فرزند رسول خدا! آیا به عهدم با تو وفا کردم؟» امام حسین(ع) فرمود: «آری! تو در بهشت پیشاپیش من حرکت خواهی کرد.»

■ مسابقه صبوری

دیدن این وداع شورانگیز، «عابس» را سخت منقلب کرد. نزد دوستش «شَوْذَب» آمد و به او گفت: «چه خواهی کرد؟» «شَوْذَب» پاسخ داد: «این چه پرسشی است!؟ به همراه تو در رکاب فرزند رسول خدا(ص) می جنگم تا روح از کالبدم خارج شود.» «عابس» گفت: «از تو جز این هم انتظار نداشتم. اکنون به نزد اباعبدا...(ع) می‌رویم و ابتدا تو از او برای رفتن به میدان اجازه بگیر. به خدا قسم در این ساعت، کسی نزدیک‌تر از تو به من نیست. دوست دارم شهادتت را ببینم و بر آن صبر کنم و آن را به حساب پروردگارم بگذارم. امروز روزی است که باید در پی به دست آوردن رضوان الهی باشیم؛ چرا که سرای دیگر، سرای حساب است، نه عمل.» «شَوْذَب» نزد امام(ع) رفت و رخصت جهاد خواست؛ سیدالشهدا(ع) به او اجازه جهاد داد. «شَوْذَب» روانه میدان شد. «عابس» از دور، دوستش را می دید که دلاورانه صفوف دشمن را می شکافد و طنین فریادهای مردانه‌اش، زمین را می لرزاند؛ اما دقایقی بعد، تیرهای دشمن ناجوانمرد، باریدن گرفت و «شَوْذَب»، شربت شهادت نوشید.

■ در میدان جهاد و شهادت

با شهادت «شَوْذَب»، دیگر «عابس» فقط مشتاق لقای پروردگار و پیوستن به دوست دیرینش بود؛ نزد سیدالشهدا(ع) رفت؛ در مقابل حضرت ایستاد و عرض کرد: «ای اباعبدا...! به خدا سوگند اگر چیزی ارزشمندتر از جان داشتم تا بتوانم آن را در راه محو ستم و دور کردن خطر از شما فدا کنم، درنگ نمی کردم. حال از حضرتت می خواهم که رخصت جهادم دهی، تا به میدان بروم و در راه تو کشته شوم.» امام(ع) دستی بر شانه «عابس» زد و به او رخصت جهاد داد؛ شادی چهره «عابس» را در بر گرفت؛ سرش را بلند و به امام(ع) عرض کرد: «درود خدا بر توای اباعبدا...! خداوند را گواه می گیرم که من، توسط تو و پدرت هدایت شدم و در همان مسیری که پروردگار دوست دارد، حرکت می کنم.» این را گفت و راهی میدان نبرد شد. نبرد مردانه «عابس»، یکی از معدود نبردهای اصحاب سالار شهیدان است که تقریباً به صورت کامل در کتاب‌های روایی و تاریخی نقل شده است. طبق این روایات، شخصیت شجاع «عابس» و زخمی که از جنگ صفین روی پیشانی اش باقی مانده بود، در میان کوفیان شهرت داشت. «رَبیع بن تمیم» که یکی از شاهدان وقایع روز عاشورا بوده است، نقل می کند: «چون عابس را دیدم که می‌آید، وی را شناختم. من او را در جنگ‌های متعدد دیده بودم. او شجاع‌ترین مردم بود. گفتم: ای مردم! نگاه کنید! این که پیش می‌آید، شیر شیران، فرزند ابی شبیب است. تنها به مبارزه با او نروید که پایان کارتان معلوم است! آن گاه عابس فریاد زد: آیا مرد میدانی هست که به مبارزه تن به تن بیاید؟ او این مسئله را چند بار تکرار کرد، اما هر بار پاسخی به درخواستش داده نشد.» «عمر بن سعد» که از شکستن روحیه سربازانش بیمناک بود، به بخشی از سپاه فرمان داد «عابس» را سنگ باران کنند؛ منظره‌ای عجیب به وجود آمد؛ صدها نفر برای کشتن یک نفر، جرئت نزدیک شدن به او را نداشتند و از دور او را هدف قرار می دادند! «ربیع» می گوید: «از هر سو باران سنگ بر سرش بارید؛ عابس که چنین دید، زره و کلاه‌خودش را دور انداخت و به آن ها حمله کرد. به خدا سوگند، دیدم که بیش از ۲۰۰ نفر را عقب راند و پراکنده کرد.» بی باکی «عابس»، آرایش سپاه کوفه را به هم ریخت؛ همه از مقابل او می گریختند. «عمر بن سعد»، بخش‌های دیگری از سپاه کوفه را به مقابله با «عابس» فرستاد و آن ها، او را محاصره و نیزه‌های خود را بر بدن وی فرو کردند و آن‌قدر این رفتار ناجوانمردانه تکرار شد تا روح «عابس» به سوی معبودش پر کشید. دشمنان که سخت از شجاعتش خشمگین بودند، سر از پیکر بی جان او جدا کردند. «ربیع» نقل می کند: «تعدادی از سپاهیان مدعی کشتن عابس بودند و بر سر این موضوع نزاع می کردند. عمر بن سعد آن ها را آرام کرد و گفت: دعوا نکنید، هیچ کس نمی‌توانست او را به تنهایی بکشد!» طبق برخی گزارش‌های تاریخی، «عمر بن سعد» دستور داد که سر «عابس» را به سمت امام حسین(ع) پرتاب کنند. سیدالشهدا(ع) با جمعی از اصحاب بر پیکر بی سر «عابس» حاضر شد و برای او از پروردگار طلب آمرزش و رحمت کرد؛ آن گاه شخصاً، جنازه سرباز دلیرش را برداشت و به خیمه‌ها آورد.

«السَّلامُ عَلَیکَ یا عابس بْنِ ابی شَبیب الشّاکری، اَشهَدُ انّکَ مَضیتَ علی مامَضی عَلَیهِ البَدْریونَ وَ المُجاهِدونَ فِی سَبیلِ ا...»

■ منابع:

۱- تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهدا(ع)؛ زیر نظر استاد مهدی پیشوایی؛ انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)

۲- لهوف؛ سید بن طاووس

۳- چهره‌ها در حماسه کربلا؛ محمدباقر پورامینی؛ نشر بوستان کتاب قم (دفتر تبلیغات اسلامی)

*برخی منابع از «شَوْذَب» با عنوان غلام «عابس» یاد کرده‌اند؛ اما بزرگانی مانند مرحوم «شیخ عباس قمی»، معتقدند که «شَوْذَب» غلام نبود، بلکه به عنوان یک دوست، «عابس» را همراهی می کرد. برای کسب اطلاعات بیشتر به جلد اول مقتل جامع سیدالشهدا(ع)، صفحه ۷۹۲، مراجعه کنید.

گزارش

• • •

فروشگاه کتاب اندیشه اواخر مهرماه افتتاح می شود

مدیرعامل سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، از افتتاح فروشگاه کتاب اندیشه در اواخر مهرماه امسال خبر داد. به گزارش خبرگزاری مهر، سیدغلامرضا حسینی، ضمن اعلام خبر افتتاح فروشگاه کتاب در محدوده خیابان انقلاب اسلامی، گفت: این روزها در حال بازسازی و راه‌اندازی یک فروشگاه در خیابان انقلاب، روبه روی در اصلی دانشگاه هستیم. علاقه مند بودیم که پاتوقی متفاوت و متناسب برای اهالی اندیشه و کتاب، در اصلی‌ترین خیابان فرهنگی کشور که خیابان انقلاب و نزدیک‌ترین محل به دانشگاه است، داشته باشیم که به لطف خدا این توفیق دست داد و در حال تحقق است. حسینی درباره آثاری که قرار است در فروشگاه کتاب اندیشه عرضه شود، توضیح داد: براساس تأمل و طراحی انجام شده، بنا است این مکان پاتوقی برای گپ و گفت و ترویج فرهنگ و اندیشه اسلامی، به ویژه در حوزه علوم انسانی-اسلامی و محلی برای عرضه برترین و تازه‌ترین آثار منتشر شده در این حوزه باشد. مدیر عامل سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، با اشاره به ویژگی‌های این فروشگاه، تأکید کرد: فروشگاه کتاب اندیشه، دقیقاً روبه روی در اصلی دانشگاه تهران واقع شده است و حدود ۷۵ متر فضای مفید دارد که ۵۰ متر آن در طبقه همکف و بقیه در نیم طبقه دوم، با در نظر گرفتن امکان نشستن و مطالعه کتاب برای مراجعان است. هم اکنون، فروشگاه در دست بازسازی، تعمیر و تجهیز است و به امید خدا، تا قبل از پایان مهر، در مراسمی با حضور شخصیت های فرهنگی و دوستداران کتاب و کتاب خوانی افتتاح خواهد شد.

حسینی درباره توسعه ویترین کتاب و تقویت چرخه نشر مؤثر نیز، گفت: با احتساب بالای ۱۰ هزار مجوز نشر، باید گفت در کشور تعداد قابل توجهی ناشر به بخش اول چرخه نشر، یعنی تولید محتوا و انتشار کتاب می‌پردازند، در حالی که در مقابل، کل فروشگاه‌های کتاب که شامل فروشگاه‌های نوشت افزار و... هم می شود و باید عهده‌دار بخش توزیع و فروش چرخه نشر باشد، حدود دو هزار واحد است. این نسبت باید به نفع کتاب فروشی‌ها تغییر کند؛ به همین دلیل، توسعه ویترین کتاب، یک مسئله مهم و راهبردی است. عرضه کتاب فیزیکی و محصولات فرهنگی که محتوا را منتقل می کند؛ نیازمند مواجهه مخاطب به صورت مستقیم، با محصول است. در واقع، بهترین راه انتخاب، تورق کتاب است؛ ممکن است بشود بخشی از این اطلاعات را از طریق دیگر روش‌های اطلاع‌رسانی در اختیار مخاطب قرار داد، ولی قطعاً درباره کتاب، ارتباط مستقیم مؤثرتر است و به انتخاب دقیق‌تر کمک می کند.

تازه های نشر

• • •

هجرت امام رضا (ع) به ایران و دستاوردهای جاودانه آن

کتاب «هجرت امام رضا (ع) به ایران و دستاوردهای جاودانه آن»، کیفیت و ثمرات هجرت امام رضا (ع) را از مدینه به خراسان بررسی می کند. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، شاید بتوان گفت هجرت امام رضا (ع) به خراسان، مهم‌ترین رخداد دوره امامت آن حضرت محسوب می شود که برای بررسی چیستی و چرایی آن، بهترین و مطمئن‌ترین شیوه، تحلیل روایات نقل شده است. کتاب «هجرت امام رضا (ع) به ایران و دستاوردهای جاودانه آن»، در شش فصل، با عنوان‌های «کلیات»، «زمینه‌های عینی هجرت رضوی به خراسان»، «کیفیت سفر هجرت»، «عملکرد تاریخی حضرت رضا (ع) در هجرت سه ساله خراسان (از لحظه ورود تا مراسم تدفین)»، «ثمرات هجرت حضرت رضا (ع) برای اسلام و ایران» و «مباحث تکمیلی، پیچیدگی‌های اجتماعی و سیاسی عصر عباسی» به قلم میثم میرزایی عطاآبادی تدوین شده است. مولف در صفحه ۱۳۳ کتاب، موضوع «ورود مشاوره‌ای به صحنه سیاسی بنی‌عباس در موارد حساس» را این گونه تبیین کرده است: «حضرت رضا (ع) براساس تشخیص و تکلیف الهی خود، هرگاه که از اوج گیری اختلافات، بیم ضرر به عموم مسلمین می‌رفت، به اصلاح امور می‌پرداخت. در یکی از موارد که اختلاف بین فرماندهان و سران حکومتی اوج گرفت، برای جلوگیری از فتنه و فساد، بعد از ارائه مشورت و بیان راه‌حل، به مأمون فرمود: درباره امت محمد (ص) و آن چه خدا سرپرستی آن را به تو داده است و تو را به آن مخصوص داشته، از خدا بترس؛ زیرا تو با واگذاری امور مسلمین به دیگران، آن را تباه کرده‌ای؛ آن ها در میان امت به غیر آن چه خدا حکم کرده، فرمان می دهند.» همچنین درباره «نجات امت از ادامه خونریزی‌های بی حاصل» در صفحه ۱۷۰ می خوانیم: «از پیامبر گرامی اسلام (ص) در بیان شئونات ویژه حضرت رضا (ع) روایت شده که خطاب به امیرالمومنین (ع) فرمود: یا علی، جوهر رسالت من آن است که مظهر هشدار امتم باشم و... علی بن موسی الرضا... نجات‌دهنده امت و دور کننده کینه‌توزان و نزدیک‌آورنده مومنین این امت است. در راستای تحقق عملی این بشارت پیامبر، علی بن موسی الرضا (ع) در سه جبهه نجات‌بخش می درخشد: جبهه اول، نجات فوری مردم به پاخاسته ایران و عراق و حجاز و بلکه نجات مجموعه امت اسلامی است. امام رضا (ع) همه آن ها را از مرحله قیام‌های مسلحانه خشن ناکام که عکس‌العمل مظلومانه اهل ایمان نسبت به روش‌های سرکوب‌گرانه هارونی بود و عملاً راه ناموفقی برای غلبه بر باطل، رها کرد و جبهه دوم که توسعه علمی و اقتدار ناشی از عمل به معارف الهی است، تجدید شد. این تحول بی‌سابقه، حاصل ظهور فضائل و معرفی دانش عالِم آل محمد (ع) و ثمره صبر و تحمل بی‌مثال ائمه بعد از رضا (ع) در پذیرش هجرت غریبانه و تحمل ستم خلفای عباسی بود. برخی مسلمانان، قبل از حضرت رضا (ع)، با ادامه خونریزی و انتقام نظامی که روش‌های اسماعیلیه و خوارج و زیدیه و... بود، در دور بی‌پایانی از ظلم و انتقام گرفتار شده بود و حضرت رضا (ع)، تنها معمار شکافنده این دور باطل بودند. جبهه سوم، تحول فقهی و تشکل فرهنگی است که توسط باقرالعلوم و فقه جعفری آغاز و با مهندسی حضرت رضا (ع)، به مرحله باطل ستیزی فرهنگی رسید تا اقتدار ناشی از معرفت دین و حق‌پذیری، راه نجات عملی مجموعه بشریت را هموار کند و ائمه بعد از آن حضرت، گام‌های بعدی این نهضت نوین الهی را کامل کردند تا فرهنگ انتظار فعال برای نجات جهان، متولد شد؛ فرهنگی که جبهه سوم نجات است.» کتاب «هجرت امام رضا (ع) به ایران و دستاوردهای جاودانه آن»، در ۲۶۴ صفحه، با شمارگان هزار نسخه و به بهای ۱۷ هزار تومان، از سوی مؤسسه انتشارات «احیاء امر ولایت»، منتشر شده است.

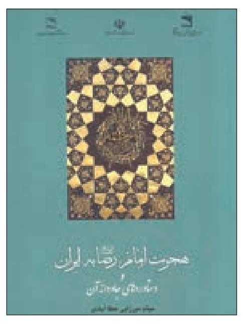

زیباترین
و به یادماندنی‌ترین
سخنان مشاهیر
سخن بزرگان
در صفحه «همشهری سلام»

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۰۶۰۰۳۰۱۰۰۴۶ تاریخ ۱۳۹۵/۰۶/۲۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم معصومه تمرودی فرزند عیسی به شماره شناسنامه ۹۳۷ صادره از زابل به پرونده کلاسه ۱۳۹۴۱۱۴۴۰۶۰۰۳۰۰۰۶۴۹ در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۱۳/۲۲ مترمربع قسمتی از مجزی شده از پلاک ۳ فرعی از ۹۱ اصلی واقع در بخش نه حوزه ثبت ملک مشهد ناحیه یک مفروز واقع در جاده کنه بیست، مهدی آباد۷، پلاک ۱۵ خریداری از مالک رسمی آقای محمد شتانلو محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۷/۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۷/۱۸ م الف ۳۱۲۲
محمد نخعی- رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد
۹۶۱۳۵۴۸۶/م